

عبدالمؤمن قطب‌الدین

### جایگاه دین در مطبوعات تاجیکستان

مطبوعات تاجیک در چند مرحله رشد توانسته است با استفاده از موضوعات دینی در پیشرفت سطح معنوی جامعه نقش گذارد. مطبوعات تاجیک در مرحله دوم یا اینکه در مرحله اساسی ترقی خود یعنی دوران شوروی، جایگاه عالم دین و اعتقاد را به عنوان سرچشمه اساسی اخلاق و معنویات خالی وا گذاشته بود. امارت بخارا تا انقلاب اکتبر در همه گونه دایره و با همه گونه وسیله، مردم پیش از همه مسلمان خود را با قواعد و قوانین شرعی تربیت می‌نمود. جای شرح و توضیح نیست که سیاست حکومت امارت تکیه به شریعت اسلامی داشت. گردش کلی و صفحه تماماً نو و بیگانه، مردم مسلمان را بعد از سقوط امارت بخارا با مشکلات زیادی روبرو ساخت. سال‌های دهه ۳۰ قرن گذشته مدهش‌ترین دوره برای مردمان مسلمان به شمار می‌آمد که بزرگان عالم علم و ادبش، از رودکی و فردوسی و سینا تا احمد دانش و صدرالدین عینی، همگی مسلمان و قرآن‌خوان بودند و سرچشمه علم و دانش آنها را تا به انجام همان دین و همان قرآن تشکیل می‌داد. حدود سابق امارت را سال‌های ۳۰ آتشی فرا گرفته بود که فرهنگ و معنویات اسلامی را به کام خود می‌کشید. اکنون هر فرد مسلمان درک کرده بود که حمایت از اسلام جز خودکشی نتیجه‌ای ندارد. سیاست لنینی با شعار «دین افیون توده‌ها است» در روند حیات اجتماعی، دین و آئین و اعتقاد را در عرصه زندگی هر شخص همچون بلا و دهشت عظیم قرار داده و او را فرسخ‌ها دور می‌انداخت و در این جهت از مطبوعات به طور

فراوان استفاده می‌گردید. ساخت نو و جوان سیاسی با تبدیل خط توانست که در پایهٔ شدید تبلیغ و تشویق ایدئولوژیک توسط مطبوعات، مردم را تا به حدی با دین خود بیگانه سازد. البته برای مطبوعات و عموماً برای تمام واسطه‌های اخبار عموم به قولی «منقورت» ساختن (فراموش کردن گذشته) نسل نو و جوان وظیفهٔ اولیه به حساب می‌رفت، زیرا دگرگون ساختن افکار و اندیشهٔ اعتقادی توده از ساختارهای دیگر نسبتاً دشوارتر بود. نسل نو را با فراگیری توسط تشکیلات‌های ابتدایی «اکتبریات» و «پیونر» هر یک از نسل جوان، دین را در حقیقت، به عنوان «افیون» قبول داشت که ثمرهٔ آن تا به حال باقی است. نیز مسلم است که این وظیفه را مطبوعات در اولین نوبت اجرا می‌نمود. در مرحله اول شدت بیشتری از تبلیغات ضددینی در دوران پس از جنگ جهانی دوم به چشم می‌خورد. نشریات مشهور کودکان در دوران اتحاد شوروی سابق، مجلهٔ «مشعل» و روزنامهٔ «پیونر تاجیکستان» در دو دههٔ اول فعالیتشان تبلیغ شدید ساختار سوسیالیسم را در دستور کار قرار داده و بعدها برای چنگ انداختن محبت این ساختار تحمیلی، دیگر شیوه‌ها به کار گرفته شد. یکی از این سیاستها این بود که جهت فهم و درک کودک دین را هر چه بیشتر زیان‌آور و ناکارآمد معرفی می‌کردند. اکنون کودکان را از اصل و اجدادشان و کلمات «ملا»، «مخدوم»، «ایشان» (=لقبی دینی و محترمانه)، «مسجد» و امثال آن نه تنها برحذر می‌نمودند، بلکه از اسم بردن از آنها می‌ترسیدند و اجرای اعمال دینی را در شأن خود ننگ می‌دانستند. با اطمینان می‌توان گفت که این روند تا اواخر سالهای هشتادم قرن گذشته جریان داشت. اصطلاح معمولی با نام «آتیسیم» برای نخستین بار توسط مطبوعات، در شعور عموم، احساس عدم اعتقاد به خدا و ناتوان‌بینی نسبت به عوامل دینی مطرح گردید. آغاز روند نو سیاسی با نام

بازسازی در دوران شوروی قدم‌های نخستین در راه آزادی دین و اعتقاد به حساب می‌رفت. در این جهت پیش از همه مطبوعات مژده‌های نخستین را به عموم می‌رسانید. علی‌الخصوص تصویب «قانون زبان» در سال ۱۹۸۹ با تلاش و زحمات‌های زیاد اهل قلم و ادب، تکانی برای خودآگاهی و خودشناسی گردید. ولی هنوز اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از فرجام امپراتوری خود خبر نداشت. از این رو، جرأت و قدرت کاملی در وجود هیچ کس به طور کامل بیدار نشده بود که آهنگ‌های حقیقی دلش در عالم بیکران دین زمزمه داشته باشد. به گمان نگارنده آغاز «روابط دین و مطبوعات» با تشویق و ترغیب آموزش حروف نیاکان آغاز گشته بود که شمار زیاد نشریه‌ها با آموزش این حروف اجداد توسط گوشه و یا صفحه مخصوص خود به جامعه خدمتگزاری می‌کردند. بعدها در آغاز دهه نود قرن گذشته گروهی از نشریه‌ها به اقدام بسا جدی‌تر رو آورده و از عالم غنی اسلام به خواننده بهره‌ها اهدا نمودند. مجله «فرهنگ» - نشریه بنیاد فرهنگ تاجیکستان، در کنار مطالب دارای مضمون دینی از پاره‌های مخصوص و جداگانه «مثنوی معنوی» استفاده می‌نمود که خوانندگان زیادی را معطوف خود ساخت. مجله «علم و حیات» در چند صفحه از هر شماره خود، سوره‌های قرآن مجید همراه با ترجمه فارسی و تفسیر آنها را منتشر می‌کرد که علاقه‌مندان زیاد داشت. دیگر مجله‌ها از قبیل «ادب» و «صدای شرق»، از ابیات و غزلهایی که زمانی ممنوع بود، اکنون به طور گسترده استفاده می‌کردند، به ویژه غزل‌های پرشور و اصیل نوابی همچون مولوی بلخی و حافظ شیرازی که زمانی آنها را به عنوان «آتئیست» به قلم می‌دادند، خواننده را بی‌تفاوت نمی‌گذاشت.

در آغاز این تحولات سیاسی و ایدئولوژی، توجه مردم نسبت به دین مبین

اسلام خیلی بالا رفته بود. اما نزاع‌های داخلی و جنگ شهروندی موجب تا اندازه‌ای باعث کاهش یافتن این شدت گردید که دو سبب و عامل اساسی داشت؛ اولاً مردمی که به اجبار از دین و اعتقاد دور گشته بودند، از آزادی‌هایی که رایگان به دست آمده بود، مثل شخصی مخمور که سالیان درد و رنج هجران کشیده باشد، تشنه دین و آئین گشته بود استفاده می‌کردند. ، این همان دورانی بود که تعداد زیادی مساجد و عبادتگاه بنیاد گردید. ثانیاً، مردم هنوز از حساب این امپراتوری بزرگ، در طول چند دهه اخیر اطلاعی نداشت که در مواجهه با بحران شدید اقتصادی و سیاسی قرار دارد. جنگ شهروندی مشکلات زیادی را به بار آورد که همه بخشهای حیات جامعه را فلج ساخت. این مشکلات، مطبوعات را نیز در بر گرفت. اکثر نشریات تا سال ۱۹۹۲ از حساب آخرین هزینه‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق منتشر می‌شدند. اکنون دوره‌ای فرا رسید که باید مطبوعات در مطابقت با شرایط و قوانین تازه منتشر می‌گردید. این دوره دشوار گذرش اغلب نشریات را وادار نمود که سکوت نمایند. دیگر نه از حساب دولت و حکومت و نه از حساب مشتریان مبلغی به دست نمی‌آمد که روزنامه‌ها و مجله‌ها نشر شوند. به ویژه تا سال ۱۹۹۷ دوره فترت بزرگ مطبوعات تاجیک به حساب می‌رود. البته برخی از نشریه‌های حزبی و رسمی و دولتی اگرچه با مشکلاتی فراوان، ولی گهگاه به چاپ می‌رسید. دیگر عامل مهم در این دوره، جنگ شهروندی بود که اعتماد عموم را نسبت به دین و نمایندگان دین کاسته گرداند. بر مبنای نقشه‌ها و هدفهای تحمیلی و تعمدی، پدیده‌هایی مثل تروریسم، قتل و کشتار و بالاخره ناآرامی‌ها را به دین مبین اسلام («وهابیسم») وابسته می‌دانستند. از این رو، مردمی که هفتاد سال از رسم و آئین و دین به دور و از معنویات بی‌بهره مانده بودند، در سیمای نماینده دین دشمن خود را می‌دیدند. در چنین

شرایطی که عامه وسیع مردم رنج جنگ را دیده بود، اگر صدها نشریه ویژه دینی نشر می‌شد، نصف آن نتیجه‌ای را که در چند نشریه در آغاز سال‌های نود مشاهده کرده بودیم، نمی‌داد. اما صرف نظر از این، اشخاص معرفت‌دوست و روشنفکر می‌خواستند نشریه‌ای سازمان دهند که خواننده خسته را به آن سرگرم سازند. نشریه فرهنگی و اطلاعاتی «چرخ گردون» در این دوره در این جهت گام‌های نخستین را برداشت و فضای خالی یا خاموش اطلاعاتی کشور را پر کرد. این نشریه از اولین نشریاتی بود که پس از جنگ شهروندی به مسئله و موضوع‌های دینی رو آورد. اما استفاده از این گونه مواد با در نظر داشت چند جهت صورت می‌گرفت. در نوبت اول باید این گونه مواد به سیاستی آلوده نمی‌بود. زیرا همان گونه که ذکر گردید، صرف نظر از محدودیت، فشار و یا چهارچوب، باید ذوق و طبع خواننده درک می‌شد؛ برای خواننده این دوره باید مطالبی دینی به طبع می‌رسید که روح او را آرام سازد. انتقاد و یا اتهام شخصی در شرایطی که هنوز صلح کامل پایدار نبود، برای هیچ کس پسند نبود، چون برخی از نشریه‌ها در این جهت به نقطه بلند رسیدند و پس از آن درگیری‌های داخلی آغاز شدند. نشریه با استفاده از احکام گوناگون دینی، همگان را به حسن تفاهم و دوستی و محبت دعوت می‌نمود.

صفحات ۵-۶ روزنامه که مسئولیتش را سیف‌الدین نجم‌الدین به عهده داشت، کاملاً از مطالب و احکام دینی عبارت بود. جنبه‌های والای اخلاقی این مواد در مدتی کوتاه خوانندگان زیاد پیدا نمود. مسئول صفحه هر یک مطلب را بر پایه چهار جنبه به خواننده پیشنهاد می‌کرد: ۱- استفاده از آیات گوناگون قرآن همراه با ترجمه و تفسیر کوتاه و برای خواننده مفهوم انجام می‌شد؛ ۲- استفاده از احادیث نبوی در نوشته‌های کوتاهی که به مسئله‌های گوناگون اخلاق و معنویات اختصاص می‌یافت؛

۳- استفاده از نقل و روایت‌ها از مآخذ گوناگون در باره پیامبران و عارفان و مشایخی که عموم تا اندازه‌ای در باره آنها اطلاع دارد؛ ۴- درج ابیاتی که از معانی حکمت دینی برخوردار باشند.

نشریات به اصطلاح عمومی، اکنون در میدان رقابت قرار دارند. هر یک از آنها پیش از همه و صرف نظر از اهداف خود، برای جذب مشتری مبارزه می‌برد. هر نشریه می‌کوشد با پیشنهاد موضوع و مطالب دلچسپ و جالب و کاربرد اصول سرگرم‌کننده، حفظ تعداد مشتریان و بقای خود را تأمین کند. نشر مطالب دینی نیز استثنا نیست. مؤلفان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول همه ناهنجاریها و ناسازگاری‌ها را در جامعه مربوط به بحران معنوی می‌داند. گروه دوم بی‌تفاوت است و تنها به خاطر جلب توجه خواننده مطالب تهیه می‌کند. ویژگی‌ها بیشتر خاص مطبوعات عمومی است. مثلاً «دوزخ یافت شد...»، «مرده زنده گشت...»، «نوارگیری در قبر تاریک...»، «شفا از مزار معتبر...» و ... صرفاً به خاطر توجه خواننده پیشکش گشته و در پرورش معنوی و اخلاقی جامعه نقشی ندارند.

به منظور بالا بردن معرفت دینی، هفته‌نامه «چرخ گردون» که نشریه‌ای مستقل است، دو صفحه را به مطالب مختلف از تاریخ اسلام، ماهیت آیات قرآنی، زندگی‌نامه پیامبر اکرم (ص)، چهار یار و صحابه او و سایر بزرگان اسلام اختصاص داده است که در واقع مخلصانی زیاد دارد.

بدون شک، چنین مطالب در معرفت خواننده و آگاهی هرچه کامل‌تر از حقیقت اسلامی و دنیای اسلام کمک می‌کند.

در زمانی که قانون اساسی جمهوری و دیگر قوانین مربوط به رسانه‌های خبری، آزادی سخن و مطبوعات را کفالت داده‌اند، تعداد نشریات در حال افزایش

است. استفاده از موضوع‌های اخلاقی دینی، احکام شرعی و عموماً مطالب مربوط به دین و آئین، امری است طبیعی. نه تنها در صفحات مطبوعات به اصطلاح عمومی، بلکه در نشریات رسمی دولتی نیز این گونه مطالب را می‌توان پیدا کرد. باید گفت میان مطالب این دو دسته از نشریات تفاوت‌هایی وجود دارد، مثلاً در صفحات روزنامه‌های «جمهوریت»، «صدای مردم»، «منبر خلق»، «ندای رنجبر» و ... مطالبی در این زمینه از خصوصیات علمی و پژوهشی برخوردارند. در رابطه با نظریات مختلف دانشمندان و فیلسوفان، در مقاله‌های علمی خود موضوع و مسایلی را مطرح می‌سازند که عموم را مخاطب قرار نمی‌دهد. از جانب دیگر، گاهی بحث‌هایی در این دایره جریان می‌گیرند که دامنه‌ای گسترده دارند. در دیگر موارد، گاهی نشریات رسمی و دولتی و حزبی و تخصصی برای پشتیبانی و حمایت از دین اسلام مطالبی منتشر می‌کنند که دلیل بر عدم بی‌تفاوتی آنهاست (نظیر واکنش‌هایی بر عمل روزنامه‌نگاران دانمارکی).

از دیگر سمت‌های فعالیت مطبوعات در زمینه دین، فعالیت آزاد نشریات ویژه دینی است. تلاش‌های حزب نهضت اسلامی تاجیکستان در این راستا قابل توجه است. توسط نشریه «نجات» حزب نهضت اسلامی تاجیکستان اهداف خود را که غالباً همراه با انتشار مطالب اخلاقی و تربیتی است، انجام می‌دهد. زیرا حزب مذکور ناگزیر تبلیغات ایدئولوژیک خود را توسط این نشریه پیاده می‌سازد. حزب نهضت اسلامی در کنار هفته‌نامه «نجات»، تعدادی مجله نیز تأسیس نموده و منتشر می‌کند که حاوی مطالب دینی ارزشمند و خواندنی می‌باشند. از جمله آنها مجله‌های «سفینه امید»، «نیسان» و «اقبال» است. به اندیشه ما مشکلات اساسی را برای فعالیت این مجله‌ها که دارای روحیه خاص دینی می‌باشند، محدودیت دایره خوانندگان ایجاد می‌کند.

به طور کلی باید گفت، در کشوری صاحب استقلال که ۹۷ درصد اهالی آن مسلمانند، بایستی جایگاه دین نه تنها در مطبوعات، بلکه در کلیه رسانه‌های آن مؤثر باشد، زیرا دین به هیچ وجه به ضرر جامعه نبوده، بلکه موجب نجات آن است و به قول عبدالرئوف فطرت - یکی از روشنفکران تاجیک در آغاز قرن بیست، «...اسلام سعادت ماست». پس هر فرد صاحب نظر باید به دین از دیده دل نظر داشته باشد.